

Analysis of Jafar Tayyar's achievements in Abyssinia from the perspective of the Messenger of God (PBUH)

Hassan Sadeghi Panah¹

(DOI): [10.22034/skh.2024.19552.1560](https://doi.org/10.22034/skh.2024.19552.1560)

Abstract

Original Article
P 79 -96

Jafar Tayyar is the cousin of the Messenger of God and is one of the prominent figures of Islam who has done great services for Islam and Muslims. From the point of view of the Holy Prophet, he had a high position and his personality had different dimensions and characteristics; So that spirituality, servitude, sincerity, tact, rationality, logic and reasoning, courage and bravery were mixed in his existence. One of the dimensions of the life of this great personality is the guardianship of the immigrants in Abyssinia and the important religious and cultural achievements in this land, which the Messenger of God mentioned with great expression. The present article has investigated and analyzed Jafar Tayyar's achievement in Abyssinia from the perspective of the Messenger of God, using the method of description and analysis. The findings of the research show that the conquest of Khayber and the achievement that Jafar Tayyar brought to Islam in Abyssinia had many effects and consequences for Islam and Muslims. The comparison analysis of Jafar's achievement with the conquest of Khayber in the words of the Messenger of God has revealed the greater importance of this achievement.

Keywords: Jafar Tayyar, Messenger of God, religious and cultural achievements, Abyssinia, conquest of Khayber.

1. Ahl al-Bayt History Department, Islamic History, Sira and Civilization Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran h_sadeghipanah@miu.ac.ir

Received: 2024/10/17 | Accepted: 2024/10/25



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

تحلیل دستاورد جعفر طیار در حبشه از منظر رسول خدا(ص)

حسن صادقی پناه^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2024.19552.1560](https://doi.org/10.22034/skh.2024.19552.1560)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۹۶/۷۹

جعفر طیار، پسرعموی رسول خدا(ص) و از چهره‌های نامی صدر اسلام است که خدمات شایانی برای اسلام و مسلمانان انجام داده است. ایشان از منظر پیامبر اکرم(ص)، از جایگاه والایی برخوردار بود و شخصیت او دارای ابعاد و ویژگی‌های مختلفی بود؛ به طوری که معنویت، بندگی، اخلاص، درایت، عقلانیت، منطوق و استدلال، شهامت و شجاعت و رزم‌آوری، در وجودش درهم آمیخته بود. یکی از ابعاد زندگی این شخصیت بزرگ، سرپرستی مهاجران در حبشه و دستاوردهای مهم دینی و فرهنگی در این سرزمین است که رسول خدا(ص) از آن با تعبیر بلندی یاد کرده است. مقاله حاضر، با استفاده از روش توصیف و تحلیل، دستاورد جعفر طیار در حبشه را از منظر رسول خدا(ص) بررسی و تحلیل کرده است. یافته‌های تحقیق، نشان از آن دارد که فتح خیبر و دستاوردی که جعفر طیار در حبشه برای اسلام به ارمغان آورد، آثار و پیامدهای فراوانی برای اسلام و مسلمانان در پی داشته است. تحلیل مقایسه دستاورد جعفر با فتح خیبر در کلام رسول خدا(ص)، اهمیت بیشتر این دستاورد را آشکار کرده است.

واژگان کلیدی: جعفر طیار، رسول خدا(ص)، دستاوردهای دینی و فرهنگی، حبشه، فتح خیبر.

۱. گروه تاریخ اهل بیت(ع)، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعة المصطفی العالمیة، قم، ایران، رایانامه:

h_sadeghipanah@miu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴



مقدمه

جعفر بن ابی طالب (ع)، معروف به جعفر طیار، از چهره‌های شاخص و نامی عصر رسول خدا(ص) است که با رشادت و تدبیر و شجاعت کم‌مانند در حوزه بیان و رزم، خدمات بزرگ و مهمی در راستای نشر اسلام و دفاع از آن انجام داده است. او، سومین پسر ابوطالب (ع) است که حدود بیست سال پیش از بعثت، در سرزمین مکه تولد یافت و طبق نظر قوی‌تر، دومین فردی در میان مردان بود که پس از برادرش امیرمؤمنان علی (ع) به اسلام مشرف شد و در حدود بیش از ده سال، مدیریت و سرپرستی مهاجران در کشور و سرزمین حبشه را بر عهده داشت. وی در جنگ موته، عهده‌دار فرماندهی لشکر بود که پس از فداکاری و پیکار کم‌نظیر، به شهادت رسید (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۳۶-۲۵؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۴۱/۱-۳۴۴).

زندگی‌نامه این شخصیت بزرگ، از ابعاد مختلفی قابل بررسی و تحلیل است و با وجود جایگاه والایی ایشان در میان صحابه رسول خدا(ص)، اما در میان اهل قلم و تحقیق، چندان مورد توجه نبوده و کار درخوری در این باره انجام نشده است. یکی از ابعاد حیات پسرعموی سول خدا(ص)، اهمیت دستاورد وی در سرزمین حبشه از منظر پیامبر اکرم(ص) می‌باشد که در سخن حضرت ارزش والایی برای آن ذکر شده است. البته شخصیت معنوی و الهی جعفر، بر اهمیت دستاورد او افزوده است و سخن نبی خدا(ص) ناظر بر بُعد معنوی شخصیت او نیز می‌باشد.

با جست‌وجویی که انجام شد، گرچه پژوهش‌هایی درباره دستاورد جعفر طیار در حبشه یافت شد، اما پژوهشی که در صدد کشف اهمیت و چرایی مقایسه آن با فتح خیبر در کلام رسول خدا(ص) بوده باشد، یافت نشد؛ جز برخی نکاتی که سید جعفر مرتضی عاملی (ره) در کتاب «الصحيح من سيرة النبي الأعظم» بیان کرده است که البته نیازمند بررسی ابعاد و زوایای مختلف این موضوع و ارائه آن در قالب طرح منسجم می‌باشد. بنابراین، با توجه به اهمیت و ضرورت این مسئله، پژوهش حاضر در صدد است بررسی و تحلیل این موضوع را بر اساس ارائه طرح منسجم بر عهده گیرد.

چارچوب بحث، از اینجا آغاز می‌شود که رسول خدا(ص) در سخنی، دستاور جعفر در حبشه را با فتح خیبر مقایسه کرده و ارزش آن را مساوی با این فتح عظیم و یا برتر از آن دانسته است. تحلیل این سخن و بیان ارزش دستاورد جعفر از منظر پیامبر خدا(ص)، نیازمند بررسی مؤلفه‌های زیر است:

۱. تبیین اقدامات جعفر در حبشه و فعالیت‌های دینی و فرهنگی او در این سرزمین.
۲. تبیین فتح مکه و آثار و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن برای مسلمانان. ارتباط این بحث با عنوان مقاله، از این جهت است که دستاورد جعفر با آن مقایسه شده است و برای کشف

و بیان اهمیت این دستاورد، آشنایی اجمالی با این فتح و آثار آن، ضروری است.
 ۳. مقایسه قدوم جعفر با فتح خیبر، به منظور کشف ابعاد و زوایای دستاورد ایشان از نگاه رسول خدا(ص).

با توجه به نکاتی که بیان شد، مقاله حاضر سعی دارد با استفاده از روش توصیف و تحلیل، به بررسی و تحلیل این موضوع بر اساس ترتیب یادشده بپردازد. گفتنی است که در تعبیر پیامبر اکرم(ص)، «قدوم جعفر» به کاررفته است که افزون بر اقدامات جعفر طیار در حبشه، شامل ویژگی‌های معنوی ایشان نیز می‌گردد که در نوشتار پیش‌رو، به این جنبه نیز پرداخته شده است.

۱. اقدامات جعفر طیار در حبشه

رسالتی که رسول خدا(ص) بر عهده جعفر طیار قرار داد، بسیار خطیر و سنگین بود؛ زیرا آن حضرت پیروان و یاران خود را که هم‌اکنون قصد اعزام آنان را به حبشه دارد، به‌سختی به آیین خویش وارد کرده بود و علت مهاجرت آنان به سرزمین بسیار دور، نجات از شکنجه‌های مشرکان قریش و محافظت از ایمان و دینشان در قلمرو پادشاهی عادل بود. گرچه این عده از مسلمانان در سیطره حکومت حبشه از امنیت جانی برخوردار بودند، اما به‌لحاظ حفظ ایمان و دیانت خود، با مخاطراتی نیز روبه‌رو بودند؛ زیرا ورود در قلمرو بیگانه‌ای که پیرو آیین دیگری هستند، آن هم به صورت پناهنده، به‌طورطبیعی چالش‌هایی به‌همراه خواهد داشت و اختلافات دینی و اعتقادی، موجب افزایش این چالش‌ها خواهد شد. از همین‌روست که تدبیر امور مهاجران و محافظت از دین و باورهای آنان در مواجهه با حکومت، مردم و سرزمینی که به‌لحاظ فکری، اعتقادی و فرهنگی بیگانه هستند، کار دشواری است و نیازمند تدبیر دقیق و درست و متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم آن سرزمین می‌باشد. کوچک‌ترین اشتباه و خطا و تدبیر نادرست، هم ایمان و دین پناهندگان را در معرض خطر قرار می‌دهد و هم ناهنجاری‌های اجتماعی به‌بار خواهد آورد. این امر، نشان می‌دهد که پیامبر اکرم(ص) بسیار آگاهانه و با شناختی که از جعفر طیار داشته، او را سرپرست کاروان قرار داده و اداره امور آنان را به‌دست ایشان سپرده است.

شواهد نشان می‌دهد که جعفر طیار به‌خوبی از عهده این وظیفه خطیر برآمد و اقداماتی که در کشور حبشه انجام داد، نتایج مطلوب و مثبتی در پی داشت؛ به‌گونه‌ای که افزون بر حفظ ایمان مهاجران و فراهم شدن آسایش و امنیت برای آنان، زمینه‌های نشر اسلام در آن سرزمین فراهم شد. اقدامات جعفر در آن دیار، در چند عرصه قابل تحلیل است:

*** مواجهه دقیق و حساب‌شده با پادشاه و درباریان و توده مردم:**

شیوه مواجهه جعفر به‌عنوان سرپرست گروه مهاجران با حاکم حبشه و مردم آن سامان، به‌گونه‌ای بوده است که نه تنها ورود در فرهنگ بیگانه، تنش و حساسیت را از سوی آنان در پی نداشته است، بلکه موجبات جذب پادشاه و ادای احترام و تکریم از جانب دربار و مردم نسبت به مسلمانان را فراهم کرده است. این امر، موجب شد که مهاجران مسلمان، در امنیت و آرامش و آسایش و اطمینان کامل به زندگی خود ادامه دهند و تعامل دوستانه‌ای میان آنان و مردم آن سرزمین پدید آید. ام سلمه، همسر گرامی رسول خدا(ص) که خود از هجرت‌کنندگان بوده است، زندگی مسالمت‌آمیز در جوار حاکم حبشه را به‌گونه‌ای توصیف می‌کند که هیچ اذیت و آزاری متوجه آنها نبوده و در تقیده‌های دینی کاملاً آزادی وجود داشته است (ابن هشام، بی‌تا: ۳۳۴/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۸۱/۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۰۷/۴).

حمایت نجاشی از مهاجران، تا حدی بوده است که وقتی مخالفان وی دست به شورش می‌زدند و برای تصاحب قدرت و پادشاهی جنگ و درگیری به‌وجود می‌آوردند، غم و اندوه شدیدی مسلمانان تحت حکومت او را فرامی‌گیرد؛ به‌طوری‌که ام سلمه، ترس ناشی از آن واقعه را شدیدترین اندوه در زندگی‌اش نام می‌برد (صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۳۹۲/۲). در پی این رخداد، مهاجران پیوسته برای پیروزی نجاشی دعا می‌کردند؛ تا اینکه خبر پیروزی وی بر دشمنش به‌سمع آنان می‌رسد. این خبر به‌قدری آنها را خوشحال می‌کند که ام سلمه آن را شادترین خبر در زندگی‌اش می‌داند (ابن هشام، بی‌تا: ۳۳۸/۱؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۳۳).

*** تبیین آموزه‌های دینی و اقدامات فرهنگی رسول خدا(ص) و خنثاکردن توطئه قریش:**

پس از آنکه مهاجران در سرزمین حبشه استقرار یافتند و زندگی آرامی را سپری می‌کردند، قریش از این رخداد به‌شدت خشمگین شد و با طرح توطئه‌ای تلاش کرد آنان را بازگرداند و همچنان پیروان رسول خدا(ص) را تحت شکنجه خود قرار دهد. بدین منظور، نمایندگان را همراه با هدایای گرانبها به حبشه اعزام کرد؛ تا با نشر اکاذیب و فریفتن پادشاه، زمینه اخراج پناهندگان را فراهم کند (ابن هشام، بی‌تا: ۳۳۴/۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۸۰/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۸۱/۲). هنگامی که نمایندگان قریش به حبشه رسیدند و در مجلس نجاشی حضور یافتند، طبق برنامه‌ای قبلی و برای اینکه سخن‌شان مؤثر افتد، ابتدا هدایا را پیشکش پادشاه کردند و پس از آن، به ایراد سخن پرداختند. در این ملاقات که بزرگان حکومتی نیز حاضر بودند، نمایندگان قریش اظهار داشتند که گروهی از

غلامان و بردگان سفیه، به اربابان، قوم و آیین خود پشت نموده و با ابداع دین جدید به شما پناهنده شده‌اند. بزرگان قریش از پادشاه درخواست دارند اجازه دهد بردگان را به صاحبان آنها بازگردانند؛ زیرا از عیوب آنها بیشتر آگاه‌اند و بهتر می‌دانند چگونه با آنها برخورد کنند (ابن هشام، بی‌تا: ۳۳۴/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۸۱/۲).

این ترفند، چنان مؤثر افتاد که کاملاً احساسات درباریان را علیه مسلمانان برانگیخت؛ به‌گونه‌ای که در تأیید سخنان نمایندگان قریش سخن گفتند و از پادشاه خواستند درخواست آنان را بپذیرد (ابن هشام، بی‌تا: ۳۳۴/۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۳۰/۲؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۳۹۰/۲).

حاکم حبشه از این درخواست نمایندگان و درباریان خشمگین شد و اعلام داشت که مهاجران را احضار و از آنان پرس‌وجو خواهد کرد. اگر حقیقت همان چیزی بود که فرستادگان قریش می‌گویند، پناهندگان را تسلیم آنان خواهد کرد و اگر غیر از آن باشد، همچنان تحت حمایت وی خواهند بود (ابن هشام، بی‌تا: ج ۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۸۱/۲). زمانی که این خبر به گوش مسلمانان رسید، به‌شدت مضطرب و نگران شدند و با یکدیگر به گفت‌وگو پرداختند که در مجلس پادشاه چه بگویند و چگونه پاسخ دهند. در این شرایط دشوار، مهاجران چاره کار را در وجود جعفر یافتند و توافق کردند که او سخن بگوید و جعفر نیز به آنان اطمینان داد که این وظیفه را بر عهده خواهد گرفت (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۹۴۵/۳؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲۰۲/۳؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۱۹۱/۱). از آن سو، پادشاه افزون بر درباریان و فرستادگان قریش، اسقف‌ها را نیز دعوت کرد که همراه مصحف‌های‌شان در جلسه حضور داشته باشند. گویا مجلس حالت مناظره به خود گرفته بود و کوچک‌ترین بی‌تدبیری و رفتار و سخن نسنجیده، می‌توانست برای مسلمانان مشکل‌ساز باشد. وقتی جعفر و همراهانش وارد شدند، سلام کردند و طبق آداب و رسوم مردم، در مقابل پادشاه سجده نکردند. فضای به‌وجودآمده چنان ملتهب بود که حاضران بلافاصله واکنش نشان دادند و به نشانه اعتراض گفتند که چرا در برابر پادشاه سجده نکردید. جعفر قاطعانه پاسخ داد: ما جز در برابر خدا سجده نمی‌کنیم. نجاشی خطاب به مسلمانان، از چرایی گرایش آنان به دین جدید پرسید و اینکه چه ویژگی‌های در آیین جدید آنها وجود دارد که به دلیل آن، از دین قوم خود فاصله گرفته و هیچ آیین دیگری (حتی آیین پادشاه) را نپذیرفته‌اند؟ (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۸۰/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۸۲/۲؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۳۹۰/۲).

اینجا بود که جعفر طیار سخنان تاریخی خودش را در حضور پادشاه و حاضران ایراد کرد و تبیین روشنی از باورهای عصر جاهلیت و اقدامات رسول خدا(ص) در جهت تحول فرهنگ جاهلی به فرهنگ اسلامی ارائه کرد. این سخنان، تا جایی اهمیت دارد که بایسته است عین عبارت آن ذکر

شود. جعفر خطاب به نجاشی فرمود: «ای پادشاه! ما قومی بودیم که در عصر جاهلیت، بت‌ها را پرستش می‌کریم، مردار می‌خوردیم، گرفتار فحشا و منکرات بودیم، با ارحام قطع رابطه داشتیم، به همسایگان آزار می‌رساندیم، توانمندانمان افراد ضعیف و ناتوان را می‌خوردند؛ تا اینکه خدای متعال پیامبری را از میان ما برگزید که به نسبش آشنا بودیم و به صداقت و پاکی و امانت‌داری‌اش آگاهی داشتیم. او ما را به یکتاپرستی دعوت کرد و از ما خواست که از هرگونه شرک دوری کنیم، پرستش بت‌ها را رها کنیم، در سخن گفتن راستگو باشیم، در امانت خیانت نکنیم، صلّه رحم انجام دهیم، با همسایگان خوش‌رفتار باشیم، از هرگونه عمل حرام و خون‌ریزی پرهیز نماییم، از فحشا و سخن دروغ دوری گزینیم، اموال یتیمان را نخوریم و به ما فرمان داد که نماز بخوانیم و روزه بگیریم...

ما به رسول خدا(ص) ایمان آوردیم و او را مورد تصدیق قرار دادیم و از هر آنچه از جانب خدا آورده بود، تبعیت کردیم. پس، به پرستش خدای واحد پرداختیم و چیزی را شریک او قرار ندادیم و هرچه را ایشان حرام اعلام کردند، حرام شمردیم و آنچه را حلال فرمود، ما نیز حلال دانستیم. از این‌رو بود که قوم ما (قریش)، راه دشمنی با ما را درپیش گرفتند و ما را مورد ستم و شکنجه قرار دادند؛ تا ما را از دینمان برگردانند و به پرستش بت‌ها وادار کنند و به همان خیابث دوران جاهلی بیالایند. زمانی که بر ما چیره شدند و ستم رواداشتند و بر ما سخت گرفتند و میان ما و وظایف دینی مان فاصله انداختند، به قلمرو حکومت تو پناه آوردیم و از میان حاکمان، تو را انتخاب کردیم؛ بدان امید که در پناه تو، از ستم‌رهای یابیم» (ابن‌هشام، بی‌تا: ۳۳۶/۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۰۷/۴؛ مقدسی، بی‌تا: ۱۵۱/۴).

نجاشی با شنیدن این سخنان، تحت تأثیر قرار گرفت و به جعفر خطاب کرد اگر چیزی از وحی مُنَزَّل از جانب خدا به یاد دارد، قرائت کند. جعفر آیات اوّل سوره «کهیصص» را قرائت کرد و نجاشی از شدت تأثر گریه کرد؛ تا جایی که اشک‌هایش بر محاسنش جاری شد و اسقف‌ها نیز گریه کردند؛ به قدری که مصحف‌ها از اشک چشم‌شان خیس شد. پس از آن، نجاشی چنین گفت که این آیات و آنچه را عیسی(ع) آورده است، از یک نور سرچشمه می‌گیرند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۳۳۶/۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۰۷/۴؛ مقدسی، بی‌تا: ۱۵۱/۴). با منطوق محکم و استوار جعفر طیار، توطئه قریش نقش برآب شد و نجاشی دستور داد که نمایندگان قریش حبشه را ترک کنند و اعلام داشت که به هیچ‌وجه مهاجران را تسلیم آنها نخواهد کرد؛ اما آنان از پا نشستند و این‌بار نقشه کشیدند تا جعفر و یارانش را از چشم حاکم ساقط کنند. فردای آن روز در محضر پادشاه اعلام کردند که مسلمانان سخن ناروایی در مورد حضرت عیسی می‌گویند و او را بنده خدا می‌خوانند. نجاشی دوباره آنان را احضار کرد و از باور آنان در مورد عیسی(ع) استفسار کرد. این بار نیز جعفر چنین خطاب کرد:

«ما درباره حضرت عیسی (ع) همان چیزی را معتقدیم که پیامبر ما می گوید: عیسی (ع) بنده خدا و پیامبری است که از سوی خداوند برانگیخته شده و روح و کلمه‌ای است که خداوند به حضرت مریم القا کرده است» («نقول فيه الذي جاءنا به نبينا - صلى الله عليه وسلم - (يقول): هو عبد الله ورسوله وروحه وكلمته ألقاها إلى مريم العذراء البتول» (ابن هشام، بی تا: ۳۳۷/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۷۴/۳).

نجاشی سخن جعفر را تأیید کرد و دستور داد که هدایای قریش را به نمایندگان شان بازگردانند و آنان را از حبشه اخراج کنند (ابن هشام، بی تا: ۳۳۷/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۷۴/۳).

در سخنان و رفتار جعفر طیار در این مواجهه، دو نکته درخور تأمل است:

نکته ۱: اقدامات رسول خدا (ص) در جهت تحول جامعه جاهلی به جامعه اسلامی و نیز آموزه‌ها و معارف دینی در قالب جملات و عبارات کوتاه، بسیار زیبا ترسیم شده است. این جملات، نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) در زمان اندک، تحول بنیادینی را در فرهنگ و باور مردم ایجاد کرده است. مقایسه ارزش‌های عصر جاهلی با ارزش‌هایی که نبی مکرم اسلام جایگزین آنها کرده است، از یک سو، گویای شدت انحطاط جامعه جاهلی است و از سوی دیگر، اوج تعالی فرهنگ اسلامی را نشان می‌دهد. منطبق و هنری که جعفر طیار در بیان این جملات به کار برده است، هر انسان آزاده و حق‌جویی را مسحور خود می‌کند و در آن مجلسی که از سران و عالمان مملکت تشکیل شده، می‌تواند منشأ آگاهی، بیداری و تحول بزرگی باشد.

نکته ۲: با وجود فضایی که علیه مسلمانان در آغاز مجلس ایجاد شده بود و جعفر می‌بایست در صدد فرونشاندن احساسات حاضران و تغییر فضا به نفع مهاجران باشد و به‌طور طبیعی، سخنانی بگوید و رفتار و حرکاتی نشان دهد که آتش التهاب را خاموش کند، اما او هرگز از اصول و مبانی دینی خود فاصله نمی‌گیرد و آنجا که پای اصول اسلامی در میان است، قاطعانه پایبندی خود به این اصول را نشان می‌دهد. از همین رو، برخلاف عرف رایج، زمانی که وی همراه دیگر مهاجران وارد مجلس می‌شوند، در برابر حاکم اظهار ذلت و تعظیم نمی‌کنند و هنگامی که با اعتراض حاضران مواجه می‌شود، باجدیت پاسخ می‌دهد که جز در برابر خدا در برابر کسی سجده نمی‌کند. این مسئله، نشان از پایبندی عمیق جعفر به اصول اسلامی دارد که حاضر نیست عزت نفسی که نشانه هر انسان مؤمن است، لگدمال شود.

باری، سخنان جعفر طیار و تبیین درست وی از تعالیم و آموزه‌های نجات‌بخش دین اسلام و اقدامات رسول خدا (ص)، تأثیر عمیقی بر نجاشی گذاشت؛ به‌گونه‌ای که به‌دست جعفر مسلمان شد. ابن حجر معتقد است که اسلام آوردن نجاشی و گروهی از تابعان او به‌دست جعفر طیار، از مشهورات

است و روایات صحیحه متعددی آن را تأیید می‌کند (ر.ک: ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵۹۳/۱). همچنین، علاقه خاصی میان او و رسول خدا(ص) پدید آمد؛ تا جایی که حضرت در مرگ نجاشی گریه کرد و از راه دور بر او نماز خواند و طبق برخی نقلها، خدای متعال زمین را برای رسولش هموار کرد و او جنازه نجاشی را در حبشه رؤیت نمود (ر.ک: ابن ابی جمهور، ۱۴۱۰: ۶۵؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۲۵۲/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۹: ۵۶۱/۲؛ زمخشری، بی تا: ۴۵۹/۱). زمانی که جعفر و یارانش در حبشه به سر می‌بردند، رسول خدا(ص) نامه‌ای به نجاشی نوشت و او را به آیین اسلام فراخواند:

«به نام خداوند بخشنده و مهربان. از محمد(ص) پیامبر خدا به نجاشی اصحم، پادشاه حبشه. درود بر تو! خداوند ملک و قدوس و مؤمن و مهیمن را درباره تو شاکرم و گواهی می‌دهم که عیسی(ع) روح و کلمه خداست که بر مریم بتول، طاهره، طیبه و حصینه القا شده و به صورت جنینی در وجود مریم پدیدار شده است. خداوند او را از روح و نفخه خود آفریده؛ همان گونه که آدم(ع) را با دست و نفخه خود آفریده بود. تو را به سوی خدای یکتا و بی شریک و اطاعت از او دعوت می‌کنم و اینکه از من اطاعت کنی و به آنچه بر من نازل شده، ایمان بیاوری؛ زیرا من فرستاده خدا هستم. پسر عمم جعفر و گروهی از مسلمانان را به سوی تو فرستادم. هرگاه نزد تو آمدند، از خودخواهی دوری کن و آنان را بپذیر. من تو و لشکریانت را به سوی خداوند بلندمرتبه دعوت می‌کنم و در نصیحت و خیرخواهی کوتاهی نکردم. پس، نصیحتم را بپذیر. دورد بر کسی که از مسیر هدایت پیروی کند.»^۱

نجاشی نیز نامه‌ای احترام‌آمیز در پاسخ پیامبر اکرم(ص) نوشت و تدین خود به دین اسلام را اظهار نمود:

«به نام خداوند بخشنده و مهربان. به محمد(ص) فرستاد خدا، از نجاشی اصحم بن ابجر. درود و رحمت و برکات خداوند بر تو ای نبی خدا! گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست؛ همان که مرا به آیین اسلام هدایت کرد. نامه تو به دستم رسید و آنچه را درباره عیسی(ع) یادآوری نمودی، به خدای آسمان و زمین سوگند که عیسی بیش از آنچه گفתי، نیست. آنچه را که درباره پسر عمت و

۱. «بسم الله الرحمن الرحيم. من محمد رسول الله إلى النجاشي الأصحم ملك الحبشة. سلام عليك. فإني أحمد إليك الله الملك القدوس المؤمن المهيم، وأشهد أن عيسى روح الله وكلمته ألقاها إلى مريم البتول الطاهرة الطيبة الحصينة، فحملت بعيسى فحلقه من روحه ونفخته كما خلق آدم بيده ونفخه، وإني أدعوك إلى الله وحده لا شريك له والموالة على طاعته وأن تتبني فتؤمن بي وبالذي جاءني فإني رسول الله وقد بعثت إليك ابن عمي جعفرًا ومع نفر من المسلمين، فإذا جاءوك فاقربهم ودع التجبر فإني أدعوك وجنودك إلى الله عزوجل، وقد بلغت ونصحت فاقبلوا نصيحتي، والسلام على من اتبع الهدى» (طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۶۵۲؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۶۵۲؛ ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۳، ص ۸۳).

یارانش سفارش کردی، دریافت کردم. گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا و راستگو و تصدیق‌گر انبیای پیشین هستی و من با تو و پسر عمت بیعت کردم و به دست او ایمان آوردم و خداوند را شاکرم. فرزندم باریح بن‌اصحمن ابجر را به سوی شما فرستادم و فقط مالک خویشتم. اگر خواست شما این باشد که به حضور شرفیاب شوم، انجام خواهم داد. گواهی می‌دهم که آنچه می‌گویی، حق و حقیقت است.»^۱

نگارش چنین نامه‌ای از سوی نجاشی، نمازخواندن رسول خدا (ص) بر جنازه او از راه دور و شهرت و تعدد روایات صحیح‌السندی که ابن‌حجر ادعا کرده است، همسویی و معاضدت کامل بر ایمان نجاشی دارند و این خود، دستاورد بزرگی است که جعفر طیار به آن دست‌یافت.

فعالیت‌های جعفر، موجبات گسترش اسلام در سرزمین حبشه را فراهم کرد و به‌مرور تعداد قابل‌توجهی از حبشیان اسلام آوردند و بعدها او را در حال بازگشت به مدینه همراهی کردند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۲۹/۱). برخی مفسران، آیه ۸۲ سوره مائده^۲ را ناظر به حبشیانی دانسته‌اند که مسلمان شدند و همراه جعفر به مدینه آمدند.^۳ به گفته بعضی مفسران، شأن نزول آیه ۱۲۱ سوره بقره،^۴ چهل نفر از اهل کتاب و نصاری است که در حبشه مسلمان شدند و همراه جعفر به مدینه رهسپار شدند (طبرسی، ۱۳۷۹: ۳۷۴/۱؛ واحدی، ۱۴۱۱: ۴۳). آیات ۵۲-۵۵ سوره قصص،^۵ از دیگر مواردی است که برخی مفسران مرتبط با شرح حال مسلمان‌شدگان حبشه به‌دست جعفر دانسته‌اند (طوسی، ۱۹۶۳: ۱۶۲/۸-۱۶۳؛ طبرسی، ۱۳۷۹: ۳۶۷/۹؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۹۶/۱۳).

۱. «بسم الله الرحمن الرحيم، إلى محمد رسول الله من النجاشي الأصحمن ابجر سلام عليك يا نبي الله من الله ورحمة الله وبركاته، لا إله إلا هو الذي هداني إلى الإسلام فقد بلغني كتابك يا رسول الله فيما ذكرت من أمر عيسى، فو رب السماء والأرض إن عيسى ما يزيد على ما ذكرت، وقد عرفنا ما بعثت به إلينا وقرينا ابن عمك وأصحابه، فاشهد أنك رسول الله صادقاً ومصداقاً وقد بايعتك و بايعت ابن عمك وأسلمت على يديه لله رب العالمين، وقد بعثت إليك يا نبي الله باريح بن الأصحمن ابجر فاني لا أملك إلا نفسي و إن شئت أن أتيك فقلت يا رسول الله، فاني أشهد أن ما تقول حق» (طبري، تاريخ الطبري، ج ۲، ص ۶۵۲؛ بيهقي، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۳۱۰؛ ابن‌كثير، البداية والنهاية، ج ۳، ص ۸۴؛ صالحی شامی، سبل الهدى والرشاد، ج ۱۱، ص ۶۶).

۲. «لَتَجِدَنَّ أُمَّدَّ النَّاسِ عِدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرَهْبَانًا وَآنَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (مائده: ۸۲).

۳. ر.ک: طوسی، النبیان، ج ۳، ص ۶۱۳.

۴. «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَلْتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» (بقره: ۱۲۱).

۵. «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ» (قصص: ۵۲-۵۵).

۲. فتح خیبر و آثار آن

یکی از غزوات رسول خدا(ص)، عزوه خیبر بود که در ماه محرم سال هفتم هجری و در مواجهه با یهودیان این منطقه رخ داد. این جنگ، برای مسلمانان بسیار سرنوشت‌ساز بود؛ زیرا خیبر چندسالی بود که کانون توطئه علیه پیامبر اکرم(ص) و یارانش شده بود. اتاق فکر این کانون، بسیار دقیق و حساب‌شده عمل می‌کرد و با دسیسه‌های پیچیده و مؤثر، همواره قریش و دیگر قبایل را علیه مسلمانان تحریک می‌کرد و خطری جدی برای اسلام ایجاد کرده بود.

فتح خیبر، آثار، برکات و پیامدهای سترگی را در حوزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای مسلمانان فراهم آورد. مرحوم سید جعفر مرتضی عاملی، برخی از این آثار را چنین بیان کرده است:

۱. قدرت سیاسی و نظامی مسلمانان را در حدی بالا برد که قریش پس از آن، بیمناک‌تر شد و تلاش کرد برای کاهش تنش با رسول خدا(ص)، به معاهده حدیبیه پایبند باشد؛

۲. نفوذ اسلام در میان قبایل مختلف افزایش یافت و قبایل بسیاری به‌منظور تأمین امنیت خود اعلام داشتند که با مسلمانان هم‌پیمان می‌شوند و بدین ترتیب، هم‌پیمانان جدیدی شکل گرفت که از قدرت اسلام بیم داشتند و به‌نحوی سیطره مسلمانان را بر خود پذیرا شدند؛

۳. نفوذ سیطره‌گونه اسلام در مناطق پیرامون مدینه، موجب شد که افراد زیادی به اسلام گرویدند و جمعیت مسلمانان فراتر از مدینه توسعه یافت و روزبه‌روز بر تعداد مسلمانان افزوده شد؛

۴. کانون فتنه‌ای که دارای اتاق فکر خیره و طراحان شبهات فکری و اعتقادی بر ضد باورهای دینی مسلمانان بود و با دسیسه‌های پیچیده، قبایل دیگر را علیه اسلام برمی‌انگیختند، برچیده شد و خاطر پیامبر اکرم(ص) و یارانش از این لانه خطرناک آسوده گشت؛

۵. پس از فتح خیبر و آثار اجتماعی آن، رسول خدا(ص) فراغتی به‌دست آورد تا به تربیت دینی مردم بپردازد و معرفت دینی آنان را بالا ببرد (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۶: ۲۹۶/۱۸-۲۹۷).

۶. غنایم و گنجینه‌های فراوانی که از خیبر نصیب مسلمانان شد و نیز تخصیص سالانه نصف درآمد آن به مسلمانان، اثر اقتصادی و معیشتی فراوانی بر زندگی آنان گذاشت؛ تا جایی که عمر اظهار داشت: پس از فتح خیبر بود که به غذای سیر دست یافتیم و به قول عایشه، اکنون هرچه بخواهیم، می‌توانیم خرما بخوریم (ابن‌هشام، بی‌تا: ۶۴۶/۲).

۳. مقایسه دستاورد جعفر با فتح خیبر

زمانی که خیبر فتح شد و هنوز رسول خدا(ص) در منطقه خیبر حضور داشت، جعفر طیار و

همراهانش طبق دستور پیامبر اکرم(ص) از حبشه بازگشتند و به حضور ایشان شرفیاب شدند. خبر بازگشت پسر عمّ پیامبر خدا(ص)، برای آن حضرت بسیار مسرت بخش بود؛ تا جایی که مولای خود ابورافع را به استقبال جعفر فرستاد و خود نیز هیجده گام به استقبالش رفت و او را در آغوش گرفت و میان دو دیده او را بوسید و چنین گفت: «ما ادری بأیهما أنا أشد فرحاً، بقدم جعفر أم بفتح خیبر؟» (ر.ک: ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۳۳/۱۹؛ صدوق، ۱۴۱۱: ۲۳۱/۲).

در این مجال، باید به تحلیل این نکته پرداخت که چگونه «قدم جعفر» دلالت بر دستاورد او در حبشه دارد؟ بسا ممکن است بیان جمله مزبور، به دلیل علاقه و محبتی باشد که رسول خدا(ص) به جعفر داشته است. برای تحلیل و اثبات این مسئله، بایسته است عبارت فوق، از دو جنبه درون‌متنی (بررسی قرآین) و برون‌متنی (بررسی شواهد)، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

به لحاظ جنبه اول، باید گفت که در این رخداد، پیامبر اکرم(ص) نفس قدم جعفر را با فتح خیبر مقایسه کرده است. این تعبیر، حکایت از آن دارد که در قدم جعفر خصوصیتی وجود دارد که از ارزش والایی برای اسلام برخوردار است و از همین رو، اشاره‌ای به همراهان جعفر و یا امور دیگری نکرده است و به تعبیر «قدم جعفر» اکتفا کرده است (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۱: ۲۹۷). این نکته، دال بر این مطلب است که خوشحالی رسول خدا(ص) صرفاً به جهت دیدار جعفر پس از سال‌ها دوری نبوده است؛ زیرا اگر چنین بود، اشاره‌ای به همراهان جعفر نیز می‌شد. بدیهی است که یاران حضرت به دلیل زجری که از ناحیه دشمنان اسلام بر آنها وارد می‌شد، ترک وطن کرده بودند و رسول خدا(ص) به خوبی می‌دانست که آنان شکنجه‌ها و یا دوری از زادگاه خویش را به دلیل ایمان به رسالت او تحمل کرده‌اند. چنین پابندی به ایمان و اعلام وفاداری به پیامبر خدا(ص)، علقه‌ای عاطفی میان پیامبر و آنان به وجود آورده بود و به‌طور طبیعی، سال‌ها دوری میان او و یاران دیرینش، دلتنگی‌هایی را به وجود آورده بود و اکنون که فراق پایان یافته و برای اولین بار دیدار حاصل شده است، رسول خدا(ص) از قدم و دیدار همه آنان بایست خوشحال گردد؛ نه اینکه فقط قدم جعفر او را شاد کند. از دیگر سو، پیامبر خدا(ص) بر اساس نص صریح قرآن، سخن لهو و بیهوده بر زبان جاری نمی‌کند و طبق هوی و هوس لب نمی‌گشاید (نجم: ۳) و آنچه می‌گوید، عین حق است.

به لحاظ جنبه دوم، گزارش دیگری، هرچند غیر مشهور، وجود دارد که دلالت بیشتری بر دستاورد جعفر می‌کند و شاهد قوی بر این مطلب است که محتوای گزارش اول نیز اشاره به دستاورد جعفر دارد. در این نقل چنین آمده است: «... بقدمك یا جعفر، أم بفتح اللّٰه علی أخیك خیبر» (صدوق، ۱۴۰۵: الف، ۴۸۴/۲؛ همو، ۱۴۰۴: ب، ۲۵۴/۱؛ حزامی، ۱۴۱۵: ۲۲۶/۱۲). چنان‌که روشن

است، در این بیان رسول خدا(ص)، فتح خیبر به دست امیرمؤمنان(ع)، ویژگی خاصی داشته است و صرفاً فتح این سرزمین به طور عام مدنظر نبوده است؛ به عبارت دیگر، در کلام پیامبر خدا(ص) فتح خیبر به عنوان یک دستاورد بزرگ که به دست امام علی(ع) تحقق یافته، مطرح شده است و اگر پایداری و رشادت امیرمؤمنان(ع) نبود، اساساً فتحی در کار نبود. از همین رو، پیروزی در این جنگ، به عنوان دستاورد مسرتبخش، به امیرمؤمنان(ع) نسبت داده شده است. تصریح به این نکته در سخن رسول خدا(ص)، می تواند بیانگر این مسئله باشد که حضرت در مقام بیان دستاوردهای جعفر و امیرمؤمنان(علیهما السلام) بوده است و به نحوی به مقایسه این دو دستاورد - که هر دو مسرتبخش بوده - پرداخته است. به همین جهت است که بدون در نظر داشت همراهان جعفر و مسلمانان حاضر در خیبر، این دو فتح عظیم را به عنوان دو دستاورد مهم، به جعفر طیار و امیرمؤمنان(ع) نسبت داده است.

اکنون باید دید که چه خصوصیتی در جعفر وجود داشته که ارزش قدوم او را چنین بالا برده است. این مسئله، زمانی بیشتر اهمیت می یابد که بدانیم در جنگ خیبر، افزون بر آثار و پیامدهای فتح آن، سختی های فراوانی بر مسلمانان تحمیل شده و جان فشانی های کم نظیری صورت گرفته است؛ به طوری که دست کم، ۱۵ تن از مسلمانان در این جنگ به شهادت رسیدند (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۲/۲). به نظر می رسد، دو چیز مهم در وجود جعفر تحقق داشته است که جایگاه او را از منظر رسول خدا(ص) چنین بالا برده است: یکی، تعالی روحی و شخصیت الهی او و دیگری، دستاورد او در سرزمین حبشه. به لحاظ ویژگی اول، جعفر طیار کسی است که درجات والای بندگی و تقرب به خدا را طی کرده و به حدی از تقوا و معنویت دست یافته است که حقایق اسلام و ارزش های انسانی در وجود او تجسد یافته و در رفتار و گفتار وی بروز و ظهور داشته است. در کلام رسول خدا(ص) ویژگی های معنوی و اخلاقی جعفر چنین بیان شده است:

«وَأَمَّا أَنْتَ يَا جَعْفَرُ فَأَشْبَهْتَ خَلْقِي وَخَلْقِي، وَأَنْتَ مِنْ عَتْرَتِي الَّتِي أَنَا مِنْهَا.»^۱

همچنین، حضرت در بیان دیگری جعفر را این گونه می ستاید:

۱. ابن اثیر، اسدالغایة، ج ۱، ص ۳۴۲. مشابه این تعبیر، با تفاوت و کمی افزونی عبارات، در منابع بسیاری از رسول خدا(ص) نقل شده است. بنگرید به: واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۷۳۹؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۷؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۳۹؛ ابن حبیب بغدادی، المنمق، ص ۴۲۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۵؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج ۴، ص ۳۳۸؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۲، ص ۳۴۶؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۴۳؛ ابن حجر، الاصابة، ج ۱، ص ۵۹۲؛ ابن کثیر، البدایة والنهاية، ج ۴، ص ۲۳۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۴۶۷؛ مقریزی، اهتاع الاسماع، ج ۱، ص ۲۳۳؛ صالحی شامی، سبل الهدی، ج ۲، ص ۱۱۵.

«خیر الناس حمزة، وجعفر وعلي عليهم السلام» (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۳۴).
 شباهت او به خلق و خوی پیامبر اکرم (ص)، نشان از تعالی روحی و تکامل معنوی و ارزش -
 های الهی و اخلاقی اوست. تعهد و پایبندی وی به اخلاق نبوی و تمحض او در اسلام و بندگی
 خداوند، در واپسین روزهای حیاتش بیشتر آشکار شد؛ آنجا که با رشادت و فداکاری و دفاع
 جانانه از اسلام، محکم و پایدار در مقابل دشمن ایستاد و هرگز به دشمن پشت نکرد؛ تا اینکه
 دستانش قطع شد و زخم‌های بی‌شماری را به جان خرید و در نهایت، جانش را تقدیم اسلام
 نمود^۱ و شهادت او غم جانکاهی را بر پیامبر اکرم (ص) تحمیل کرد (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۰۷:
 ۲۸۶/۴؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲۸۹/۱؛ طبرانی، بی تا: ۴۴/۲۴). خدای متعال به پاس فداکاری و
 بندگی خالصانه او، دو بال به وی عطا کرد که در بهشت هر جا بخواهد، پرواز کند (صدوق،
 ۱۴۰۳: ۶۸/۱؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۴۸؛ عروسی حویزی، بی تا: ۲۴۶/۴).

اما به لحاظ ویژگی دوم، همان‌گونه که در بحث اقدامات جعفر طیار در حبشه بیان شد، فعالیت‌های او
 در این سرزمین، دستاورد بزرگی به‌شمار می‌آمد. مقایسه این دستاورد با فتح خیبر، به‌مثابه مقایسه دو فتح
 بزرگ می‌باشد که هر دو در جهت تقویت و گسترش اسلام صورت گرفته است. فتح خیبر، پایه‌های اسلام
 را در مهد آن استوارتر کرد و دشمنان را در موضع ضعف و انفعال قرار داد؛ اما فتحی که جعفر طیار انجام
 داد، نفوذ اسلام در سرزمین دوردست و بیگانه بود. مقایسه شیوه این دو فتح، نشان می‌دهد که ارزش فتح
 جعفر برای اسلام بیشتر از فتح خیبر بوده است؛ زیرا خیبر با زور فتح شد و اهل خیبر ایمان نیاوردند؛ ضمن
 آنکه بسیاری از قبایل پس از غزوه خیبر، از ترس به اسلام گرویدند و ایمان‌شان بر اساس میل باطنی نبود؛
 ولی جعفر سرزمین حبشه را با بیان تعالیم روح‌بخش اسلام فتح کرد و کاری نمود که بذر اسلام در قلب و
 جان آن مردم جاگرفت و کسانی که به اسلام گرویدند، با میل و رغبت باطنی ایمان آوردند. گرچه شیوه
 فتحی که رسول خدا (ص) در خیبر به‌کاربرد، ناشی از خبث باطنی دشمن بود و از این جهت نقصی به‌شمار
 نمی‌آید، اما در مقایسه با شیوه‌ای که جعفر به‌کاربرد و آثاری که فتح جعفر برای اسلام داشت، در درجه دوم
 از اهمیت قرار دارد و چه بسا، بتوان ارزش فتح جعفر را والاتر از فتح خیبر دانست.
 به‌نظر می‌رسد، این همان رازی است که در سخن رسول خدا (ص) نهفته است و جایگاه و دستاورد
 جعفر در حبشه را از منظر ایشان در این سطح از ارزش قرار داده است.

۱. ر.ک: ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۴، ص ۲۶؛ بخاری، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۸۶؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۸، ص ۵۵۰؛ صالحی شامی، سبل الہدی
 والرشاد، ج ۶ ص ۱۵۸؛ حلبی، السیرة الحلبیة، ج ۳، ص ۶۹؛ دیار بکری، تاریخ الخميس، ج ۲، ص ۷۱؛ ابن بطریق، العمدة، ص ۴۰۸؛ ابن حجر عسقلانی،
 فتح الباری، ج ۷، ص ۳۹۴؛ ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۴، ص ۲۸۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۲۷، ص ۲۶۲.

نتیجه

جعفر طیار(س)، در میان بنی‌هاشم، جزو چهره‌های درخشانی است که در کنار برادرش امیرمؤمنان(ع) و عمویش حضرت حمزه(س)، حمایت بی‌دریغی از رسول خدا(ص) انجام دادند و از تمام توان خویش برای دفاع از اسلام و نشر و گسترش آن، بهره گرفتند. یکی از رسالت‌های خطیر و مهمی را که جعفر بر عهده داشت، سرپرستی گروه مهاجر در کشور حبشه، و نمایندگی از جانب رسول خدا(ص) در دربار پادشاه حبشه بود. وی از عهده این مهم، به خوبی برآمد و پس از گذشت بیش از ده سال، با دستاورد بسیار باارزش به مدینه بازگشت. دستاورد او در این کشور دورافتاده، به اندازه‌ای دارای اهمیت بود که پیامبر اکرم(ص) آن را با فتح خیبر برابر دانست. این در حالی است که در فتح خیبر، سختی‌های بسیاری بر مسلمانان تحمیل شد و خون‌های قابل توجهی به پای پیروزی در این جنگ ریخته شد. تحلیل مقایسه فتح خیبر و دستاورد جعفر، به این نکته رهنمون شد که فتح خیبر، آثار و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای مسلمانان به ارمغان آورد و سیطره اسلام را بر مناطق پیرامون فزونی بخشید و دشمن را در موضع ضعف قرار داد؛ با وجود این، آثار و پیامدهای دستاورد جعفر برای اسلام، بیش از فتح خیبر بوده است؛ زیرا شیوه فتح در جنگ خیبر، مبتنی بر زور و قدرت نظامی بود؛ اما شیوه فتح جعفر در حبشه، مبتنی بر نفوذ بر دل‌ها و تبیین ارزش‌های دینی، معنوی و اخلاقی بود؛ همان چیزی که هدف اساسی دین اسلام در جهت نشر و گسترش آن به‌شمار می‌آید. این مسئله، دستاورد جعفر را از منظر رسول خدا(ص) بسیار بالا برده و البته ویژگی‌های معنوی، دینی و اخلاقی جعفر نیز در ترفیع دستاورد او از دیدگاه پیامبر اکرم(ص) نقش داشته است.

منابع

قرآن كريم.

١. ابن ابى الحديد، ١٤٠٤ق، شرح نهج البلاغة، تحقيق و تصحيح: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
٢. ابن ابى جمهور احسائي، ١٤١٠ق، الأقطاب الفقهية على مذهب الإمامية، قم، مكتبة آية الله المرعشي العامة.
٣. ابن ابى شيبه، عبدالله بن محمد، ١٤٠٩ق، المصنف، بيروت، دار الفكر.
٤. ابن اثير، على بن محمد، ١٤٠٩ق، اسد الغابة في معرفة الصحابة، بيروت، دار الفكر.
٥. ابن بطريق، يحيى بن حسن، ١٤٠٧ق، العمدة (عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار)، قم، مؤسسة النشر الاسلامي.
٦. ابن جوزي، ١٤١٢ق، المنتظم في تاريخ الأمم والملوك، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.
٧. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، ١٤١٥ق، الإصابة في تمييز الصحابة، تحقيق: عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية.
٨. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، ١٣٠٠ق، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت، دار المعرفة.
٩. ابن زنجويه، ١٤٠٦ق، كتاب الأموال، رياض، مركز الملك فيصل للبحوث والدراسات الاسلامية.
١٠. ابن سعد، ١٤١٠ق، الطبقات الكبرى، به كوشش: محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.
١١. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، ١٣٧٩ق، مناقب آل أبي طالب (عليهم السلام)، قم، علامه.
١٢. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، ١٤١٢ق، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق: على محمد بجاوي، بيروت، دار الجيل.
١٣. ابن عساکر، على بن حسن، ١٤١٥ق، تاريخ مدينة دمشق، به كوشش: على شيرى، بيروت، دار الفكر.
١٤. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، ١٤٠٧ق، البداية والنهاية، بيروت، دار الفكر.
١٥. ابن هشام، بى تا، السيرة النبوية، تحقيق: مصطفى السقا و ابراهيم الأبيارى و عبد الحفيظ شلبى، بيروت، دار المعرفة.
١٦. ابوالفرج اصفهاني، على بن حسين، بى تا، مقاتل الطالبين، به كوشش: سيد احمد صقر، بيروت، دار المعرفة.
١٧. ابوعبيد، قاسم بن سلام، ١٤٠٨ق، كتاب الأموال، بيروت، چاپ محمد خليل هراس.

١٨. ابويوسف، يعقوب بن ابراهيم، ١٤٠٨ق، كتاب الخراج، بيروت، دار الفكر.
١٩. احمد بن حنبل، بي تا، مسند، بيروت، دار صادر.
٢٠. بخارى، محمد بن اسماعيل، ١٩٨١م، صحيح البخارى، بيروت، دار الفكر.
٢١. بغدادى، محمد بن حبيب، ١٤٠٥ق، كتاب المنمق فى اخبار قريش، تحقيق: خورشيد احمد فاروق، بيروت، عالم الكتب.
٢٢. بلاذرى، احمد بن يحيى، ١٤١٧ق، انساب الاشراف، تحقيق: سهيل صادق زكار و رياض زركلى، بيروت، دار الفكر.
٢٣. بيهقى، احمد بن حسين، ١٤٠٥ق، دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، تحقيق: عبدالمعطى قلجى، بيروت، دار الكتب العلمية.
٢٤. حلبى، على بن برهان، ١٤٠٠ق، السيرة الحلبية (إنسان العيون في سيرة الأمين المأمون)، بيروت، دار المعرفة.
٢٥. ديار بكرى، حسين بن محمد، بي تا، تاريخ الخميس في أحوال أنفس نفيس، بيروت، دار الكتب العلمية.
٢٦. ذهبى، محمد بن احمد، ١٤١٣ق، تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والأعلام، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت، دار الكتاب العربى.
٢٧. زمخشرى، محمود بن عمر، بي تا، الكشاف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل، بيروت، دار الكتب العربى.
٢٨. سمهودى، على بن عبدالله، ٢٠٠٦م، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفى، به كوشش: محمد محيى الدين عبدالحميد، بيروت، دار الكتب العلمية.
٢٩. صالحى شامى، ١٤١٤ق، سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، به كوشش: عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية.
٣٠. صدوق، محمد بن على بن بابويه، ١٤٠٣ق، الخصال، قم، مؤسسة النشر الإسلامى التابع لجماعة المدرسين فى الحوزة العلمية.
٣١. —، ١٤٠٤ق، عيون أخبار الرضا(ع)، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
٣٢. صنعانى، عبدالرزاق بن همام، ١٤٠٣ق، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمان، بيروت، المجلس العلمى.
٣٣. طبرانى، سليمان بن احمد، بي تا، المعجم الكبير، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٣٤. طبرى، فضل بن حسن، ١٣٧٩ق، مجمع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٣٥. طبرى، محمد بن جرير، ١٣٨٧ق، تاريخ الطبرى (تاريخ الامم والملوك)، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دار احياء التراث العربى.

٣٦. طوسى، محمدبن حسن، ١٤١٤ق، الأمالى، قم، دار الثقالة.
٣٧. —، ١٩٦٣م، التبيان فى تفسير القرآن، به كوشش: احمد حبيب قصير عاملى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٣٨. عاملى، جعفر مرتضى، ١٤٢٦ق، الصحيح من سيرة النبى الأعظم، قم، دار الحديث.
٣٩. عروسى حويزى، عبدعلى بن جمعه، ١٤١٢ق، تفسير نور الثقلين، قم، اسماعيليان.
٤٠. قرطبى، محمدبن احمد، ١٤٠٥ق، تفسير قرطبى (الجامع لاحكام القرآن)، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٤١. مسلم بن حجاج، بى تا، الجامع الصحيح، بيروت، دار الفكر.
٤٢. مفيد، محمدبن محمدبن نعمان، ١٤١٤ق، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، بيروت، دار المفيد.
٤٣. مقدسى، مطهر بن طاهر، بى تا، البدء والتاريخ، بور سعيد، مكتبة الثقافة الدينية.
٤٤. مقرئى، احمد بن على، ١٤٢٠ق، امتاع الاسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، به كوشش: محمد عبد الحميد النميسى، بيروت، دار الكتب العلمية.
٤٥. واحدى، على بن احمد، ١٤١١ق، اسباب النزول، به كوشش: كمال بسيونى زغلول، بيروت، دار الكتب العلمية.
٤٦. واقدى، محمد بن عمر، ١٤٠٩ق، كتاب المغازى، تحقيق: مارسدن جونس، بيروت، مؤسسة الأعلمى.
٤٧. يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، بى تا، تاريخ يعقوبى، بيروت، دار صادر.